



جنگ جهانی دوم با رقمی بین ۷۰ تا ۸۰ میلیون قربانی را بزرگ‌ترین جنگ تاریخ انسانی خوانده‌اند که بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در آن درگیر بودند و کشورهای مختلفی در دو گروه نظامی متفقین و اتحادمحور در برابر هم صف‌آرایی کردند. اول سپتامبر که در ایران مصادف با ۱۱ شهریور است روز آغاز این بزرگ‌ترین خونریزی تاریخ بشری است که با حمله آلمان به لهستان آغاز شد و پس از تذکر کشورهای اروپایی و نادیده گرفتن آنها سوم سپتامبر کشورهایی مانند انگلستان و فرانسه به صورت رسمی با آلمان وارد جنگ شدند تا خونین‌ترین جنگ دوران آن هم در روزگار غلبه سیطره علم و تکنولوژی به مدت شش سال ادامه پیدا کرد و کشورهای مختلفی را درگیر ماجرا کرد تا سرانجام با حمله اتمی آمریکا به ژاپن سوت پایان آن به صدا در بیاید. هرچند بسیاری بر این باورند که اگر حمله اتمی آمریکا هم صورت نمی‌گرفت جنگ به روزهای آخر رسیده بود و برخی انداختن بمب اتم بر سر دو شهر هیروشیما و ناگازاکی را هشدار آمریکا به شوروی در راستای محدود کردن دامنه نفوذ این کشور قلمداد می‌کنند، اما بسیاری بر این باورند که اگر بمب اتم نبود سرنوشت جنگ یکسره نمی‌شد و انفجار اتمی عامل پایان جنگ و اعلام آتش‌بس بود.

دو سال پس از آغاز جنگ به بهانه حضور کارشناسان آلمانی در ایران، پایش به کشور ما هم رسید و از شمال و جنوب قوای متفقین دست به اشغال خاک کشور زدند. در این گیرودار بسیاری از نیروهای ایرانی که در برابر نیروی متجاوز ایستادگی کردند به شهادت رسیدند، ولی نتوانستند مانع پیشروی قوای اشغالگر متفقین شوند.

این اتفاق و رویداد به قدری بزرگ و عالم‌گیر بوده که از شرق و غرب عالم در آن نقش داشتند و هرکس زخمی از این اتفاق بر صورت تاریخ خود دارد. به همین خاطر ادبیات و به‌طور کلی هنر در برابر این اتفاق سکوت نکرده و سعی کرده از زاویه خود در برابر این ماجرای بشری واکنشی داشته باشد.

قهرمان ملی در برابر متجاوز



لقب بلندترین رمانی که در ادبیات داستانی ایران متأثر از جنگ جهانی دوم نوشته شده را باید به رمان «جاده جنگ» منصور انوری داد. رمانی که از شهریور ۱۳۲۰ آغاز می‌شود و سال به سال پیش می‌آید. یک اثر در قالب کلاسیک که سال‌هاست نویسنده آن مشغول نگارش آن است و برنده جایزه جلال آل احمد هم شده است. رمانی که سالانه یک جلد یا بیشتر از آن توسط ناشر منتشر می‌شود و در دسترس مخاطبان قرار می‌گیرد. قصه این رمان از ورود قوای ارتش شوروی به خاک کشور از ناحیه شمال خراسان و منطقه باجگیران آغاز می‌شود. نیروهایی که به بهانه جلوگیری از نفوذ آلمان نازی در ایران پا به خاک کشورمان می‌گذارند، اما آنچه تا اینجا گفتیم تاریخ است و منصور انوری قصه نوشته است. او با ساختن شخصیتی رازآلود قصه‌اش را پیش می‌برد. تک‌تیراندازی ماهر که مانند شبخ مرگ بر سر دشمن متجاوز فرو می‌آید و در پیشروی آنها مانع‌تراشی می‌کند و ناپدید می‌شود. «مرگان» نام قهرمان ایرانی داستان انوری است که با توانایی‌های خارق‌العاده خود تبدیل به نقل محافل و چایخانه‌ها می‌شود. او در شرایطی که شیرازه ارتش شاهنشاهی از هم پاشیده با حملات گاه و بی‌گاهش آرامش را از نیروهای روسی گرفته و آنها را عاصی کرده است. سایه او هر لحظه بالای سر سربازان و افسران ارتش سرخ است و آنها خواب آسوده ندارند. یک سرگرد سرخ که به قساوت شهره است نیز به عنوان طرف دیگر این ماجرا وارد داستان می‌شود و ادامه ماجرا... اگر دوست دارید قصه بخوانید و از جزئیات داستانی مانند توصیف صحنه لذت می‌برید این رمان می‌تواند پیشنهاد خوبی برای شما باشد؛ رمانی که جنگ جهانی دوم دستمایه نوشتن آن شده است.

به مناسبت سالروز آغاز جنگ جهانی دوم، چند اثر

رمان‌های

یکی از پنج تا

بسیاری این رمان این قرن بیستم نامید یک نویسنده روس روسیه اجازه نشر و فرار و فرودها داشت تا این که سال مرگ نویسنده‌اش و در دسترس قرار این رمان در صدر رمان‌های جنگ جهانی واسیلی گروسمن گزارش‌های دقیقی براساس مشاهده زده است. کتابی که تنها دو دستنویس در موزه سوزانده شده بود. در لایه‌های آن به نق که در خلال جنگ خواننده‌اش بازگو

روایت بمباران بزرگ



بسیاری این رمان را یکی از مشهورترین رمان‌های نوشته شده درباره جنگ نامیده‌اند. نویسنده آن، کورت ونه‌گات – که خود اسیر جنگی بوده و توسط سربازان ارتش نازی به اسارت درآمده بوده – شاهد بمباران آلمان توسط جنگنده‌های انگلیسی بوده و این رمان روایت داستانی آن چیزی است که خود شاهد آن بوده است.

بمباران شهر درسدن که یکی از فجیع‌ترین بمباران‌های نیروهای متفقین بوده در فوریه ۱۹۴۵ توسط جنگنده‌های انگلیسی و آمریکایی طی سه روز صورت گرفته که گفته می‌شود بیش از ۳۹۰۰ تن بمب بر سر این شهر در این فاصله ریخته شده که بین ۲۴ تا ۴۰ هزار نفر کشته شدند.

اتفاقی که نشان می‌دهد هرچند در خون‌ریزی هیتلر تردیدی نیست، اما کشتارهای بی‌رحمانه از سوی متفقین هم جریان داشته تا بتوانند هیمنه هیتلر و ارتشش را بشکنند و حتما در این ماجرا غیرنظامی‌ها بیشترین قربانی زیاده‌خواهی دیکتاتورها بوده‌اند.

این رمان روایت سربازی آمریکایی است که در جریان جنگ اسیر شده و در زیرزمینی پناه گرفته و شاهد اتفاقات شهر درسدن آلمان است. «همه این داستان کم و بیش اتفاق افتاده است»؛ این جمله آغازین کتاب است.

به نوعی همه داستان حول و حوش همین جمله می‌گذرد: اتفاقی که افتاده، تاریخ، حقیقت... ونه‌گات سعی در گفتن داستانی درباره حقایق جنگ دارد، اما با سبک و شیوه‌ای متفاوت؛ با زبانی طنز و البته موضع رمان فقط درسدن و سوختن یک شهر و سکنه آن نیست.

دریچای آن ونه‌گات به روی خواننده باز می‌کند چشم‌اندازی است وسیع و دهشتناک به تاریخ خشونت انسان.

زنانه از جنگ



سیمین دانشور که معرف حضورتان هست؟ سیمین خانم معروف را می‌گوییم که با آقا جلال – منظورمان جلال آل احمد است – زوج ادبی ایران را تشکیل داده بودند و خانه‌شان در سال‌های پیش از انقلاب محل اهل ادبیات و هنر بوده است.

او هم در رمان مشهورش (سووشون) قصه را از سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم آغاز کرده و تأثیر آن بر مردم ایران را در داستان‌ش نشان داده است. جنگی که با وجود دور بودن ایران از صحنه اصلی آن پایش به خاک کشور ما هم باز شد و اثرات خود مانند قطعی و گرسنگی را به مردم ما تحمیل کرد.

قصه در شیراز (شهر خانم دانشور) می‌گذرد و آن را یکی از آثار اجتماعی که تصویر سال‌های ۲۰ تا ۳۰ خورشیدی را نشان می‌دهد معرفی کرده‌اند. رمانی که به زبان‌های مختلف ترجمه شده و بارها از سوی خوانندگان ایرانی خوانده شده است.

از قصه و مختصات آن هم بهتر حرفی نزنیم که آب در هاون کوبیدن است، چرا که این اثر به قدر کافی شناخته شده و مشهور است. احساس نمی‌کنم نیازی باشد بخوایم درباره آن و اهمیتش در ادبیات داستانی ایران و همچنین تأثیرگذاری نویسنده‌اش در میان نویسندگان زن سخن‌سرای کنیم.

به هر صورت این رمان هم در حال و هوای سال‌های جنگ نوشته شده و تصویر یک خانواده ایرانی در آن روزها را به خواننده‌اش نشان می‌دهد.